



رهبر معظم انقلاب:

## آمریکایی‌ها جایی در خلیج فارس ندارند مگر در قعر آب‌هایش

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز کارگرو روز معلم

نفس اقتصاد را در دست بگیرید

# چارسوگ



احیای سریع قیمت‌گذاری و نظارت سختگیرانه بر بازارها و توقف سیاست آزادسازی: نسخه ضروری اقتصاد در شرایط جنگی

# جنگ ≠ آزادسازی قیمت‌ها

در هفته‌های اخیر با وجود نوبت تاریخی ملت ایران در مقابله با جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل، اما رهاسدگی بازارها موجب نارضایتی مردم قهرمان شده است. در شب‌های اخیر در تجمعات مردمی شاهد شعارهای اقتصادی هستیم و مردم از مسئولان می‌خواهند جلوی گرانی‌ها را بگیرند. به گفته کارشناسان، راهکار مقابله با گرانی‌ها وجود دارد اما قدم اول، این است که دولت چهاردهم بپذیرد سیاست‌های موسوم به آزادسازی قیمت‌ها متناسب با شرایط جنگی نیست و باید هرچه سریع‌تر متوقف شود و تثبیت قیمت‌ها و نظارت‌های سفت و سخت را در دستور کار خود قرار دهد.

رئیس کل بانک مرکزی به جای تمرکز بر سیاست‌های ارزی وقتش را صرف حواشی مربوط به تغییرات مدیران بانکی می‌کند

# آقای همتی به داد ارز برس



که اکنون موجب شده قیمت دلار روز به روز گران‌تر شود که تبعات منفی بر اقتصاد کشور و معیشت مردم دارد. متأسفانه همتی که به سیاسی کاری معروف است، در این روزها به جای آن که ۲۴ ساعته برای تنظیم بازار ارز تلاش کند و به شناسایی عوامل افزایش شدید قیمت دلار خصوصاً در روزهای پایانی هفته گذشته بپردازد، وارد حواشی مربوط به تغییر مدیران بانک‌های دولتی شده است. این در حالی است که طبق قانون، انتصاب مدیران بانک‌های دولتی در حوزه اختیارات وزیر اقتصاد است، نه رئیس کل بانک مرکزی. سوگمندانه باید گفت تا زمانی که همتی دست از سیاسی کاری‌های خود برندارد و به وظیفه اصلی‌اش در کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی نپردازد و حواشی اقتصاد مثل انتصاب مدیران بانکی را بر کنترل نرخ ارز ترجیح بدهد، امیدی به کنترل گرانی‌ها و تورم نیست.

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی دولت چهاردهم، در روزهایی که نرخ ارز به بالاترین رقم تاریخ خود رسیده، به جای تمرکز بر سیاست‌های ارزی، وقتش را صرف حواشی مربوط به تغییرات مدیران بانکی می‌کند. همتی که کارنامه نامناسبی در ریاست بانک مرکزی در دولت حسن روحانی داشت و در دوره او قیمت ارز ۳ برابر شد، از دی‌ماه سال گذشته که مجدداً به این سمت بازگشت، همان سیاست‌های ناموفق را دوباره اجرا کرد.



## ایران بساط سوءاستفاده‌های دشمن از تنگه هرمز را بر خواهد چید

رهب معظم انقلاب اسلامی تاکید کردند: ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه بر خواهد چید. رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس در پیامی با اشاره به جان فشانی ملت ایران در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان، انقلاب اسلامی را نقطه عطف این مقاومت‌ها خواندند و تاکید کردند: با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه آمریکا در نقشه خود، فصل نوزم خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است و آینده درخشان منطقه خلیج فارس آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از نعمت‌های بی بدیل خداوند متعال برای ملت‌های مسلمان منطقه ما خصوصاً مردم شریف ایران اسلامی، موهبت «خلیج فارس» است. نعمتی فراتر از یک پهنه آبی که بخشی از هویت و تمدن مان را شکل داده و علاوه بر نقطه اتصال ملت‌ها، مسیر حیاتی و منحصربه‌فرد اقتصاد جهانی را در تنگه هرمز و پس از آن دریای عمان ایجاد کرده است. این سرمایه راهبردی، طمع شایطین بسیاری را در قرن‌های گذشته برانگیخته و سابقه تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و آمریکایی، ناامنی‌ها، ضررها و تهدیدهای متعدد برای کشورهای منطقه، تنها گوشه‌ای از نقشه‌های شوم مستکبران جهان علیه ساکنان منطقه خلیج فارس می باشد که تا نزدیکترین نمونه آن قذافه‌کشی‌های اخیر شیطان بزرگ بود.

ملت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نام گذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه آمریکا در نقشه خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است. ملت‌های منطقه خلیج فارس که سال‌های متمادی در سکوت و ذلت‌پذیری حاکمان در برابر زورگویان و تجاوزگران عادت کرده بودند، در شصت روز گذشته جلوه‌های زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت دلاورمردان نیروهای دریایی ارتش و سپاه را در کنار غیرت و شجوریت مردم و جوانان خطه جنوب ایران عزیز زلفی سلطه بیگانگان به چشم خود دیدند. امروز به عنایات حضرت حق جلّ و علا و به برکت خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی سوم علی‌الخصوص رهبر عظیم‌الشان و دراندیش انقلاب اسلامی اعلی الله مقامه الشریف، نه فقط در میان افکار عمومی جهان و ملت‌های منطقه، حتی برای سلاطین و حاکمان کشورها نیز ثابت شده که حضور بیگانگان آمریکایی و لانه‌گزینی و آشپزخانه کردن آن‌ها در سرزمین‌های خلیج فارس، مهم‌ترین عامل ناامنی در منطقه است و پایگاه‌های پوشالی آمریکا تاب و ثامن امنیت خود را نیز ندارد، هر سدی به اینکه امید می باشد به تأمین امنیت و ایستگان و آمریکا پرستان منطقه توسط آمریکا باشد. به قول و قوه الهی آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود. ما با همسایگانمان در پهنه آبی خلیج فارس و دریای عمان «هم‌سرنوشت»، «هستیم و بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع کارانه در آن شرارت می کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش؛ و زنجیره این ظفر که به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی محقق شده است، طلیعه نظم جدید منطقه و جهان خواهد بود.

امروز برانگیختگی معجزگون ملت ایران، منحصراً در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و آمریکا روز ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به هم پیوسته امت مبعوث شده اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین. از نانو و بیوتا هسته‌ای و موشکی. سرمایه‌های خود فرسخ کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی پاسدار آن خواهند بود. ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه بر خواهد چید. قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت‌ها را شاد خواهد کرد؛ پادشاه و لاک‌پروان.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای



## احیای سریع قیمت‌گذاری و نظارت سختگیرانه بر بازارها و توقف سیاست آزادسازی: نسخه ضروری اقتصاد در شرایط جنگی

# تورم با ارشاد پایین نمی آید

### گزارش

در هفته‌های اخیر با وجود نهضت تاریخی ملت ایران در مقابله با جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل، اما رهاشدگی بازارها موجب نارضایتی مردم قهرمان شده است. در شب‌های اخیر در تجمعات مردمی شاهد شعارهای اقتصادی هشتمین مردم و مسئولان می‌خواهند جلوی گرانی‌ها را بگیرند. به گفته کارشناسان، راهکار مقابله با گرانی‌ها وجود دارد اما قدم اول، این است که دولت چهاردهم بپذیرد سیاست‌های موسوم به آزادسازی قیمت‌ها متناسب با شرایط جنگی نیست و باید هرچه سریع‌تر متوقف شود و تثبیت قیمت‌ها و نظارت‌های سخت و سخت‌رادر دستور کار خود قرار دهد.

دولت چهاردهم از زمان شروع به کار خود به علت استفاده از اقتصاددانان و مدیران تکنوکرات اصلاح طلب که در دولت‌های قبل هم تورمی پرداز و مجری سیاست‌های اقتصادی موسوم به آزادسازی بودند، این سیاست‌ها را با شدت بیشتری پیگیری کرد.

در نتیجه این سیاست‌ها، شاهد بودیم که مسئولان دولتی با نغی کامل هرگونه قیمت گذاری و تثبیت قیمت‌ها و با به کار بردن واژه انحرافی «قیمت‌گذاری دستوری» خود را مخالف این سیاست معرفی و آزادسازی قیمت‌ها را به نفع اقتصاد کشور ترویج کردند. اما نتیجه آن شد که قیمت کالاها مختلف در این مدت به شدت افزایش یافت و اکثر واردکنندگان و برخی تولیدکنندگان با سوءاستفاده از این فضای انتزاعی منظر مسئولان دولت چهاردهم، به سودان‌جویی پرداختند و هرگاه اراده کردند قیمت محصولاتشان را بالا ببرند و دولت چهاردهم از آنها حمایت کرد به خیال اینکه دارد از تولید حمایت می کند. در نتیجه این سیاست‌ها آخرین بخش آن حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاها اساسی بود، بالاترین تورم ده‌های اخیر به نام دولت پرنشکیان ثبت شد و اکنون مردم در حال تحمل آن تورم شدید هستند. در مقابل این موج گرانی‌ها، مسئولان دولت چهاردهم با خلق کلیدواژه‌هایی مثل قیمت‌های ارشادی، از ارگان بازارها درخواست قیمت منصفانه می کردند. این در حالی است که بازار نیازمندان حضور قوی و مؤثر دولت است و قیمت‌ها با ارشاد پایین نمی آید.

سید لیلزار، اقتصاددان اصلاح طلب، در همین زمینه اعتراف کرده که تا قبل از شروع جنگ هم شدیدترین تورم در دولت چهاردهم رقم خورد و نباید این تورم شدید را به جنگ نسبت داد. اکنون در شرایطی که در دو ماه گذشته کشور درگیر جنگ تحمیلی و تبعات بعدی آن بوده، تداوم سیاست آزادسازی با رهاسازی قیمت‌ها در قالب شعار کلی دولت چهاردهم مبنی بر نرفی و تحقیر قیمت‌گذاری دستوری، سبب تحمیل تورم‌های شدیدتر به جامعه خواهد شد. بنابراین دولت چهاردهم باید هرچه سریع‌تر سیاست‌های متناسب با شرایط جنگی یعنی قیمت‌گذاری دستوری و نظارت‌های سخت و سخت بر تمامی زنجیره‌های تأمین، تولید و توزیع بازگردد.

#### تجربه جنگ تحمیلی ۸ ساله در مدیریت بازارها

تجربه سیاست‌گذاری اقتصادی ایران در دوران جنگ تحمیلی و مقایسه آن با دوره پس از جنگ مورد توجه کارشناسان و اساتید دانشگاه‌های کشور قرار گرفته است. در دوره جنگ ۸ ساله، با وجود محدودیت شدید منابع و فشارهای خارجی، مجموعه‌ای از سیاست‌های متمرکز و سازوکارهای نهادی شکل گرفت که به حفظ نسبی ثبات اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی کمک کرد.

در مقابل، در دوره پس از جنگ با وجود افزایش ارز، اقتصاد ایران با چالش‌هایی مانند بی‌ثباتی کلان، نوسانات نرخ ارز و تضعیف برخی ظرفیت‌های تولیدی مواجه شد. این تفاوت، اهمیت نقش نهادها و کیفیت سیاست‌گذاری در هدایت منابع را برجسته می کند. همچنین، نحوه روایت‌سازی از تجربه‌های اقتصادی گذشته می تواند بر تصمیم‌گیری‌های امروز اثرگذار و ضرورت تحلیل دقیق و مبتنی بر داده‌ها برزنگ‌ترمی کند. در مجموع، بررسی این دوره‌ها نشان می دهد که تاب‌آوری اقتصادی پیش از میان‌منابع، به کیفیت سیاست‌گذاری و ساختارهای نهادی وابسته است.

حسین راغفر، اقتصاددان می گوید: در دوران جنگ ۸ ساله، سیاست‌های اقتصادی بر تأمین حداقل معیشت و عدالت در توزیع منابع متمرکز بود. اجرای سهمیه‌بندی کالاها اساسی و بهداشتی، همه مردم به نیازهای اولیه دسترسی داشتند. در کنار آن، آموزش، سلامت و مسکن حمایتی نقش مهمی در حفظ ثبات اجتماعی ایفا کردند. نتیجه این رویکرد، بهبود شاخص‌های سلامت، کاهش ناامنی و شکل‌گیری نوعی همبستگی اجتماعی بود که حتی در شرایط سخت جنگی هم حفظ شد.

وی افزود: نابرابری فعلی ریشه در سیاست‌گذاری‌های پس از جنگ دارد. افزایش نرخ ارز، توزیع منابع به گروه‌های خاص، خصوصی‌سازی‌های غیرشفاف و فاصله گرفتن از سیاست‌های برابر، سبب باعث شده دسترسی به فرصت‌های اقتصادی محدود شود. همچنین طیفانی شدن آموزش و سخت‌تر شدن تأمین مسکن، شکاف بین طبقات را تشدید کرده و بخش بزرگی از جامعه را از مسیر رشد خارج کرده است.

حسین راغفر افزود: در شرایط جنگی که اقتصاد با محدودیت منابع، اختلال در زنجیره تأمین و افزایش نااطمینانی مواجه است، نظام بانکی و سیاست‌های اقتصادی نقش حیاتی در حفظ تاب‌آوری دارند. بانک‌ها از طریق مدیریت جریان نقدینگی، تخصیص هدفمند منابع مالی و حمایت از تأمین مالی بخش‌های ضروری مانند تولید و توزیع کالاها اساسی، می‌توانند از ایجاد بحران‌های شدید اقتصادی جلوگیری کنند. همچنین سیاست‌های اقتصادی در چنین شرایطی معمولاً بر کنترل مصرف، اولویت‌بندی تخصیص ارز و منابع و حمایت از بخش‌های تولیدی متمرکز می‌شود تا نیازهای اساسی جامعه بدون وقفه تأمین شود. در مجموع، هماهنگی میان نظام بانکی و سیاست‌گذاری اقتصادی باعث می‌شود حتی در شرایط فشار شدید، حدی از ثبات و تاب‌آوری در اقتصاد حفظ شود. اصلاح اقتصاد نیازمند یک عزم جدی در سطح سیاست‌گذاری است. نقطه شروع، مقابله با فساد، شفاف‌سازی در تخصیص منابع و

بازگرداندن اعتماد عمومی است. در کنار آن، باید نظام بانکی در خدمت تولید قرار گیرد و سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که به جای ناامیدی، امید و انگیزه برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی ایجاد کنند. بدون تغییرات، هیچ برنامه‌ای به نتیجه نخواهد رسید. فرشاد مؤمنی، اقتصاددان، هم درباره نحوه مدیریت کشور در دوران جنگ گفت: در دوره جنگ ۸ ساله، اقتصاد تحت فشار شدید خارجی، محدودیت منابع و شرایط اضطراری قرار داشت، اما در عین حال نوعی انسجام نهادی و

تمرکز بر تولید و تأمین نیازهای اساسی شکل گرفت. در مقابل، دوره پس از جنگ با افزایش درآمد‌های نفتی و شرایط به‌ظاهر باثبات تر آغاز شد، اما در بسیاری از شاخص‌ها با چالش‌های جدیدی مثل نابرابری، بی‌ثباتی و ضعف تولید روبه‌رو شد. بررسی این دو دوره کمک می کند

فهمیم چه عواملی باعث موفقیت یا شکست سیاست‌های اقتصادی شده‌اند و چگونه «بنیان‌های فکری و نهادی» بر نتایج اقتصادی اثر گذاشته‌اند. مؤمنی افزود: تناقض اصلی این است که در دوره جنگ، با وجود محدودیت منابع، محاصره اقتصادی و فشارهای امنیتی، برخی شاخص‌های عملکرد اقتصادی و اجتماعی در سطح قابل قبولی قرار داشته و حتی در مواردی رشد‌های قابل توجهی ثبت شده است. اما در دوره پس از جنگ، با وجود دسترسی بیشتر به درآمد‌های ارزی ناشی از نفت و شرایط صلح، اقتصاد با مشکلاتی مانند بی‌ثباتی کلان، کاهش بهره‌وری و ضعف تولید صنعتی مواجه شده است. این وضعیت

نشان می دهد که صرف افزایش منابع مالی تضمین‌کننده توسعه نیست، بلکه نحوه مدیریت منابع، کیفیت نهادها و جهت‌گیری سیاست‌گذاری نقش تعیین‌کننده‌تری دارند.

فرشاد مؤمنی ادامه داد: جنگ روایت‌ها زمانی شکل می گیرد که تفسیرهای مختلف و گاه متضاد از یک واقعیت تاریخی وجود دارد. در مورد دوره جنگ، برخی جریان‌ها تلاش کرده‌اند موفقیت‌های آن دوره را صرفاً به شرایط احساسی، اضطراری یا بسبب عمومی تقلیل دهند و در مقابل، برخی صف‌ها را بزرگ‌نمایی کنند. این در حالی است که گروه‌های ذی‌نفع از بی‌ثباتی اقتصادی، از روایت‌های تحریف‌شده برای جهت‌دهی افکار عمومی استفاده می کنند. هدف این روایت‌ها معمولاً کمک کردن تجربه‌های موفق نهادی و جلوگیری از الگوبرداری از آنهاست، در حالی که یک تحلیل علمی باید مبتنی بر داده‌ها و مقایسه‌های دقیق تاریخی باشد، نه برداشتهای گزینشی.

وی گفت: نوآوری‌های نهادی آن دوره عمدتاً در جهت افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش هزینه‌های مبادله شکل گرفتند. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به اصلاح الگوی مصرف، ایجاد سازوکارهای توزیع عادلانه‌تر منابع، تقویت نقش دولت در هدایت منابع محدود به سمت تولید و جهت‌دهی منابع نفتی به اهداف توسعه‌ای اشاره کرد. همچنین تمرکز بر تولید فناوریانه و کاهش وابستگی به واردات، یکی از محورهای کلیدی سیاست‌گذاری بود. این مجموعه اقدامات باعث شد اقتصاد در شرایط جنگی بتواند حدی از پایداری و عملکرد قابل قبول را حفظ کند.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد در ادامه با اشاره به پیامدهای «واقعیت‌های دستکاری‌شده» در نظام سیاست‌گذاری کشور اظهار داشت: این دستکاری‌ها حتی سیاست‌گذاران دارای حسن نیت را نیز به سمت سیاست‌های رادرست سوق می دهد. به عنوان مثال، آنان را به سمت شوک‌درمانی سوق می دهد. شوک‌درمانی نوعی جیب‌بری ۱۰۰ واحدی از مردم و تولیدکننده‌ها است. بعد نیم واحد از این ۱۰۰ واحد را بین مردم به صورت کوپن توزیع می کنند. بر اساس محاسبات انجام شده، شوک‌درمانی به معنای انتقال گسترده منابع از مردم و تولیدکنندگان است، در حالی که توزیع کوپن سهم ناچیزی از این منابع را بازمی گرداند. هرچند ممکن است گفته شود همین مقدار نیز بهتر از هیچ است، اما در افق بلندمدت، جامعه‌ای که به دریافت صدقه عادت کند، نمی‌تواند به سمت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی حرکت کند.

وی افزود: نه است. این در حالی است که با بررسی دقیق، می‌توان نشان داد که این گزاره‌ها از بنیاد با واقعیت‌های علمی فاصله دارند. در شرایطی که کشور در وضعیت «صلح مسلح» قرار دارد، برخی از مدافعان رهاسازی اقتصادی، اکنون بر نقش دولت در شرایط جنگی تاکید می‌کنند. اما در عین حال راهکارهایی ارائه می‌دهند که مجدداً به شوک‌درمانی منتهی می‌شود. پشت این رویکردها، منافع گروه‌هایی قرار دارد که از این مناسبات سود می‌برند و با به کارگیری ابزارهای رسانه‌ای و حتی استخدام افرادی، تلاش می‌کنند این دیدگاه‌ها را غالب و واقعیت‌ها را دستکاری کنند.

#### نمی‌توان گفت «رها کنید، می‌شود بازار»

عباس شاکری، اقتصاددان، هم با تاکید بر اهمیت تفکیک میان تحلیل خرد و کلان اظهار کرد: همواره به دانشجویان گفته می‌شود که اگر مفاهیم خرد و کلان به درستی فهم نشود، تحلیل اقتصادی ناقص خواهد بود. بازار، صرفاً یک مفهوم ساده نیست، بلکه پشت آن ساختارهای نهادی، نظام قیمت‌ها، حکومت قانون و مجموعه‌ای از محدودیت‌های زندگی اجتماعی نهفته است. نمی‌توان بازار را بدون درک این

پیش فرض‌های ساختاری فهم کرد. در حالی که امروز می‌گوییم، رها کنید، می‌شود بازار! اصلاً این گونه نیست. از عصر روشنگری تا نیمه قرن هجدهم، فرآیندهای نهاد سازی و تغییرات ذهنی گسترده‌ای صورت گرفت تا نظریه‌هایی مانند نظریه آدام اسمیت در بستر مناسب خود شکل بگیرند. بنابراین، در پس هر گزاره اقتصادی، مجموعه‌ای از مفاهیم عمیق در قلمروهای دیگر مطالعاتی نهفته است که بدون توجه به آنها، فهم اقتصاد ممکن نیست. حتی در اقتصاد کلان نیز نمی‌توان گزاره‌هایی کاملاً جهان‌شمول و زمان‌ناپذیر یافت. برای مثال، نظریه‌هایی مانند دیدگاه میلیون فریدمن درباره پول و بدهی تورم، در بسترهای تاریخی و نهادی خاص خود قابل فهم هستند و در دوره‌ها و شرایط متفاوت، نتایج یکسانی تولید نمی‌کنند. از این رو، تحلیل‌ها باید همواره در بستر تاریخی، نهادی و اقتصادی خود انجام شوند.

#### سیاست‌های گرانشی باید متوقف شود

دکتر حسین مصما، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، هم در این باره گفت: گرانی‌های اخیر نه به خاطر شرایط جنگی، بلکه عمدتاً به دلیل سیاست‌های غلط اقتصادی دولت (حذف و گرانشی‌ها) است. از رسی به بهانه عدم اصابت و حذف رانت در دی‌ماه سال گذشته است. با افزایش نرخ ارز، هزینه‌های تولید (مانند نان مرغ، ظروف بسته‌بندی و...) افزایش یافته‌اند و اکنون بعد از چند ماه، این محصولات تولیدی (مرغ، تخم مرغ، شکر، روغن و...) با قیمت بالاتر به دست مردم می‌رسند. وی افزود: جنگ علیه ملت ایران اسلامی هم‌زمان در دو جبهه خارجی (آمریکا و رژیم صهیونیستی) و جبهه داخلی در حال انجام است. آثار تخریب ناشی از افزایش نرخ ارز رسمی بر اقتصاد کشور و سفره مردم، به مراتب از بمب‌ها و موشک‌های دشمنان خارجی ویرانگرتر است.

براهای این مطلب را در صحن مجلس شهادت دادیم. امید است در سال «اقتصادی مقاومتی» در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» با هم‌راهی بیشتر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف هر چه سریع‌تر متوقف شود و تثبیت قیمت‌ها و نظارت‌های سخت و سخت‌رادر دستور کار خود قرار دهد سوز جایگویی خواهد کرد.

#### به گفته کارشناسان،

#### راهکار مقابله با گرانی‌ها

#### وجود دارد اما قدم

#### اول، این است که دولت

#### چهاردهم بپذیرد

#### سیاست‌های موسوم

#### به آزادسازی قیمت‌ها

#### متناسب با شرایط

#### جنگی نیست و باید

#### هر چه سریع‌تر متوقف

#### شود و تثبیت قیمت‌ها

#### و نظارت‌های سخت و

#### سخت‌رادر دستور کار

#### خود قرار دهد



سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۱۱/ اردیبهشت/۱۴۰۵

اداره‌ی مدارس و دانشگاهها، بیشتر از پیش فراهم شود، و همچنین باید با اولویت دادن به مصرف کالاها، ساخت داخل کشور از کارگران مولد پشتیبانی نموده و بخصوص صاحبان کسب و کارهای آسیب دیده تا حد ممکن از تعدیل نیرو و جُدا سازی نیروی کار خود، چه در واحدهای تولیدی و چه واحدهای خدماتی اجتناب نمایند و بلکه هر کارگری را به منزله‌ی ثروت آن واحد تولیدی و خدماتی، منظور دارند؛ و البته دولت محترم هم در حدّ مقدور از این عمل خیرخواهانه حمایت نماید.

ایران عزیز، همچنان که در پی سالها تلاش در جایگاه یک قدرت نظامی ظاهر شده، ان‌شاءالله به فضل الهی با ترسیم خطوط هویت ایرانی اسلامی و رسوخ هر چه بیشتر آن در آذهان و نفوس جوانان این کشور به دست مربیان و معلمین، و با اولویت دادن به مصرف کالاها، تولید داخل که نتیجه‌ی تلاش کارگران زحمتکش ایرانی است، مسیر عبور به سوی قلّه‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیومد، و این البته با دعای خیر و وساطت سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف هر چه سریعتر و بهتر صورت خواهد پذیرفت پادشاه تعالی، والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

و شکست دهد.

معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران از مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد که این دو، به منزله‌ی ستون فقرات عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد هستند. از این رو لازم است به اهمیت جایگاه خاص خود و فراتر از یک شغل، که در قبال فعالیت در آن، دستمزدی دریافت میشود، بیخوبی واقف باشند.

همچنانکه باید به موازات این امر، توجه داشت که تجلیل‌های زبانی سالیانه یا هر چند وقت یکبار گرچه بجا و مناسب است ولی قدردانی از تلاشهای این دو قشر باید عمیق‌تر و عملی‌تر از این حد باشد. بنده تصور میکنم همانطور که ملت عزیز ایران با حضور در میادین و خیابانها از نیروهای نظامی کشور خود حمایتی درخور به عمل می‌آورند، شایسته است در یاری کردن معلمان و کارگران هم پشتیبانی قوی‌ای از خود نشان دهند.

از جمله باید تعامل خانواده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در

که از داخل خانه‌ها، ادارات و واحدهای کسب و کار و مساجد گرفته تا مزارع و کارگاهها، و کارخانه‌ها و معادن و انواع زیادی از مشاغل خدماتی کشیده میشود. هرچقدر این پهنه‌ی وسیع از دو عنصر سخت‌کوشی و تعهد که از ارکان هر توفیق بزرگی بشمار میروند بیشتر بهره‌مند باشد، پیشرفتگی کشور، بیشتر و نیت‌تر تضمین میگردد.

میدانیم یک کارگر در پرتو تعهد و حسن عمل، گاه آن چنان جایگاهی می‌یابد که شایسته است همچون دست‌پر مهر معلم و مربی، بر دست توانا و هنرمند او هم بوسه‌ی تشکر و امتنان زده شود. این البته امری است که از دامن اولین مربیان هر کسی یعنی پدر و مادر او پس از آن درک محضر معلم قابل تأمین است.

اینک که جمهوری اسلامی ایران بعد از بیش از چهل و هفت سال مجاهدت، با تکیه به فضل الهی در نبرد نظامی با دشمنان پیشرفت و تعالی خود، بخشی از توانمندی چشمگیر خود را به جهانبان ثابت کرده است، در مرحله‌ی جهاد اقتصادی و فرهنگی نیز نباید آنان را ناامید کرده

بسم الله الرحمن الرحيم

دوروز یازدهم و دوازدهم اردیبهشت، روزهایی است که در آن از مقام کارگر و منزلت معلم تقدیر به عمل می‌آید. فارغ از تجلیل زبانی و نمادین که به نوبه‌ی خود کار بجا و صحیحی است، پیشرفت هر کشوری زمین دو بال علم و عمل است.

معلم در اولین مرحله‌ی تحقق از این مقصود نقش آفرینی میکند. مسئولیت خطیر آموزش دانش، افزایش مهارت، و بخش مهمی از رشد بینش و قالب‌ریزی هویت نسل آینده برعهده‌ی او است. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلابی که در کنار هر معلمی رشد میکنند، در آینده نه چندان دور، مهارت‌های آموخته و دانش‌های یادگرفته خود را به کار بسته و ای بسا در خلق و خو و رفتار و گفتار خود در انواع عرصه‌ها از محفل گرم خانواده تا محیط کار و کوچ‌چه و خیابان چون آینه‌ای نمایش‌دهنده‌ی رفتارها و گفتارهای معلمین خود خواهند بود.

از سوی دیگر، عرصه‌ی کار، صحنه‌ی وسیعی است به وسعت کشور



## اخبار ۳

امارات بزرگ‌ترین عضو جداشده در تاریخ خیراست؛ اقدامی که به گفته تحلیلگران، نشانه‌ای از ضعف ساختاری روبه رشد در اوپک است.

با وجود این، تحلیلگران انتظار فروپاشی ائتلاف را ندارند. عربستان همچنان بزرگ‌ترین دارنده ظرفیت مازاد در جهان است و به گفته کارشناسان، ریاض برای مدیریت بازار به چارچوب اوپک پلاس نیاز دارد. عراق نیز اعلام کرده قصد خروج ندارد و به دنبال حفظ قیمت‌های باثبات است.

**کاهش تاریخی نفوذ اوپک**

نفوذ اوپک طی دهه‌های گذشته به‌طور مستمر کاهش یافته است. این سازمان که در دهه ۱۹۷۰ بیش از نیمی از نفت جهان را تولید می‌کرد، اکنون فقط حدود ۳۰ درصد از تولید جهانی را در اختیار دارد. رشد تولید نفت شیل در آمریکا-که اکنون تا ۲۰ درصد از تولید جهانی را تأمین می‌کند- و افزایش تولید رقبا، سهم اوپک را به‌طور قابل توجهی کاهش داده است. ائتلاف اوپک‌پلاس در سال ۲۰۱۶ برای بازایی این نفوذ تشکیل شد و تا سال ۲۰۲۵ حدود ۵۰ درصد تولید جهانی نفت را در اختیار داشت. اما خروج امارات این سهم را به حدود ۴۵ درصد کاهش می‌دهد؛ کاهش‌ی که می‌تواند توان این گروه برای تأثیرگذاری بر قیمت‌ها را محدودتر کند.

**بازاری در انتظار بازگشت تنگه هرمز**

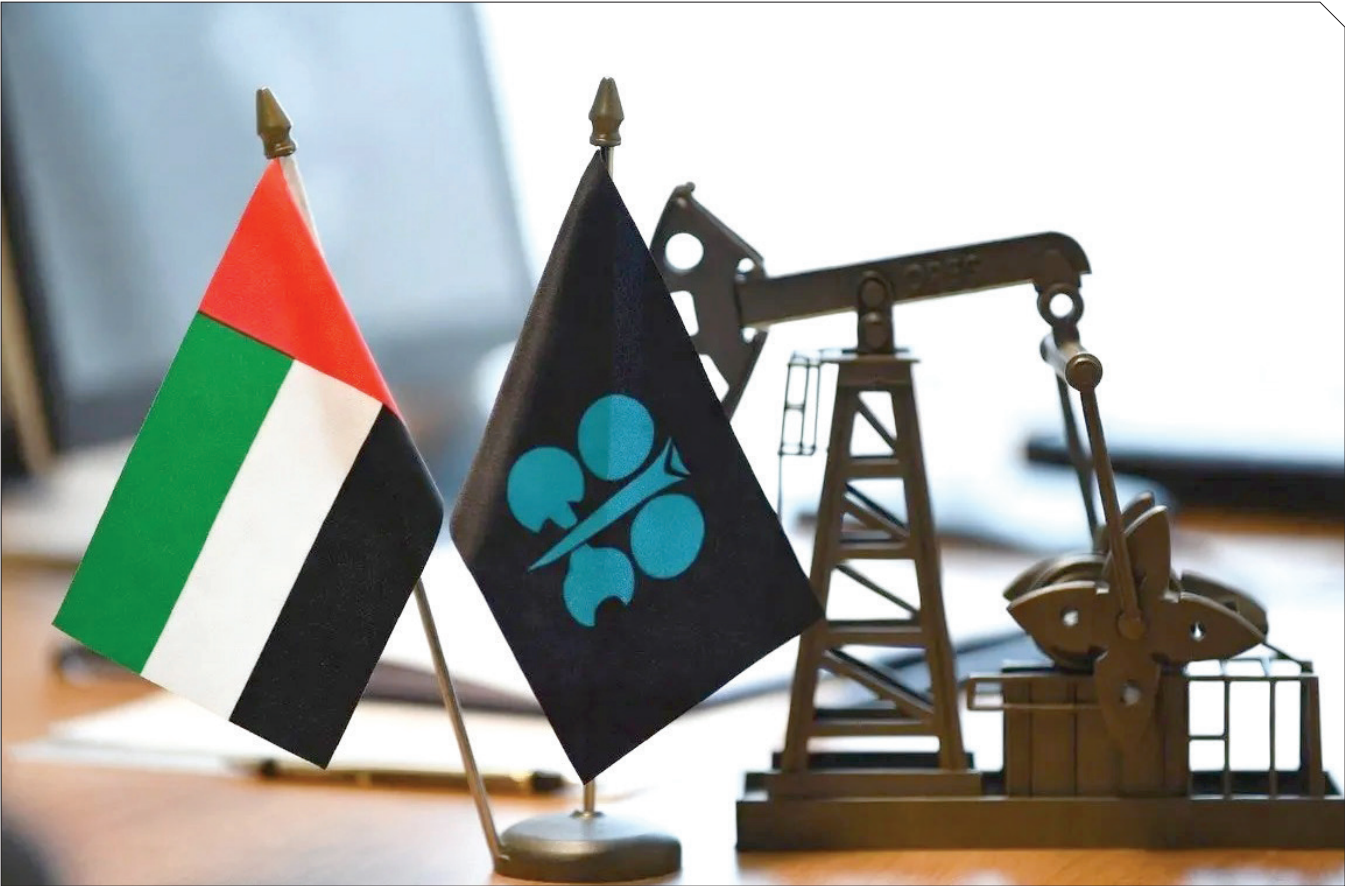
در حال حاضر، محدودیت‌های شدید در تنگه هرمز مانع افزایش تولید امارات و دیگر تولیدکنندگان خلیج فارس شده است. عربستان تنها کشوری است که با خط لوله ۷ میلیون بشکه‌ای به دریای سرخ، امکان صادرات نفت را دارد؛ در حالی‌که ظرفیت صادرات امارات از طریق خط لوله فجیره فقط ۱.۵ تا ۱.۸ میلیون بشکه در روز است. بازگشت امنیت کشتیرانی در هرمز می‌تواند نقطه عطفی برای بازار باشد؛ زیرا امارات و دیگر تولیدکنندگان قادر خواهند بود بخش بزرگی از تولید از دست‌رفته را به بازار بازگردانند.

با وجود خروج امارات، ساختار اوپک‌پلاس در کوتاه‌مدت با برجا می‌ماند اما تحلیلگران معتقدند این تصمیم نقطه عطفی در مسیر کاهش نفوذ تاریخی اوپک است؛ سازمانی که

زمانی بیش از نیمی از نفت جهان را کنترل می‌کرد و اکنون با رقابت فرآینده تولیدکنندگان مستقل و فشارهای ژئوپلیتیک روبه‌روست.

بازار جهانی نفت در شرایطی حساس قرار دارد: مسیره‌های صادراتی خلیج فارس محدود شده، ظرفیت مازاد برخی کشورها بلااستفاده مانده و آینده همکاری‌های درون اوپک پلاس بیش از هر زمان دیگری به تحولات امنیتی منطقه گره خورده است.

در چنین فضای، خروج امارات نه فقط یک تصمیم فنی درباره سهمیه تولید نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و بازتعریف نقش بازیگران اصلی بازار انرژی است؛ تغییری که پیامدهای آن در ماه‌های آینده بیش از آشکار خواهد شد.



# جدایی امارات از اوپک؛ آیا موازنه قدرت در خلیج فارس تغییر می‌کند؟

بازگشت مسیره‌های کشتیرانی تنگه هرمز به حالت عادی، ابوظبی می‌تواند تولید خود را تا ۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. وزیر انرژی امارات اعلام کرده این تصمیم کاملاً سیاسی و مبتنی بر بازنگری در سیاست‌های انرژی کشور بوده و ابوظبی با هیچ کشور دیگری درباره آن مذاکره نکرده است. وی همچنین تأکید کرده که جهان به انرژی بیشتری نیاز دارد و امارات آماده است این نیاز را تأمین کند.

یک مقام اماراتی دیگر اعلام کرد امارات متحده عربی پس از تصمیم برای خروج از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در حال بازبینی نقش و میزان مشارکت خود در سازمان‌های چندجانبه استست اما در حال حاضر برنامه‌ای برای خروج از نهادهای دیگر ندارد.

این مقام اعلام کرد ابوظبی به‌طور کلی در حال بررسی میزان کارآمدی عضویت خود در سازمان‌های چندجانبه است. در پی این تصمیم غیرمنتظره، گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال خروج امارات از برخی نهادهای منطقه‌ای از جمله اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) مطرح شده بود.

**تنش پنهان میان ابوظبی و ریاض**

به گفته منابع اوپک پلاس، اختلاف میان امارات و عربستان بر سر سهمیه تولید، یکی از عوامل زمینه‌ساز این تصمیم

### گزارش

خروج امارات از اوپک در میانه بزرگ‌ترین اختلال انرژی جهان طی دهه‌های اخیر، ضربه‌ای کم‌سابقه به نفوذ تاریخی این سازمان وارد کرده و شکاف‌های ژئوپلیتیک در خلیج فارس را آشکارتر ساخته است؛ تصمیمی که می‌تواند موازنه قدرت در بازار جهانی نفت را دگرگون کند. امارات متحده عربی با اعلام خروج از اوپک در تاریخ اول می، یکی از مهم‌ترین تغییرات ساختاری سال‌های اخیر در بازار جهانی نفت را رقم زد؛ تصمیمی که به گفته منابع آگاه، شوک قابل توجهی به ائتلاف اوپک پلاس وارد کرده و توان این گروه برای مدیریت عرضه جهانی را کاهش می‌دهد. این اقدام در حالی انجام می‌شود که جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، بزرگ‌ترین اختلال روزانه در عرضه انرژی جهان را ایجاد کرده و شکاف‌های سیاسی میان کشورهای خلیج فارس را آشکارتر ساخته است.

امارات که حدود ۶۰ سال عضو اوپک بود، چهارمین تولیدکننده بزرگ این سازمان محسوب می‌شد و پیش از آغاز جنگ، نزدیک به ۳.۴ تا ۳.۷ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد؛ رقمی که معادل حدود ۳ درصد عرضه جهانی است. خروج این کشور، آن را از محدودیت‌های سهمیه‌ای اوپک‌آزادی‌کنند و در صورت

### ترامپ این بار امنیت غذایی جهان را هدف گرفته است

## افزایش انفجاری قیمت کود اوره در پی تنش‌های خاورمیانه و اختلال در تردد کشتی‌ها

در تنگه هرمز، اکنون به تهدید فزاینده فراتر از بازار انرژی تبدیل شده است. در حالی که بازارهای جهانی هنوز تمرکز خود را بر نفت و گاز حفظ کرده‌اند، بحران واقعی آرام‌آرام در مزارع شکل می‌گیرد؛ جایی که کشاورزان آمریکایی و اروپایی به دلیل

جخش هزینه نهاده‌ها، سطح زیرکشت و مصرف کود را کاهش می‌دهند. بازار جهانی انرژی طی دو سال گذشته بارها شوک‌های ژئوپلیتیکی را تجربه کرده اما این بار، اثرات بحران فقط به نفت محدود نمانده است. جنگ و ناامنی در خلیج فارس، همراه با اختلال در مسیر تنگه هرمز، زنجیره جهانی تولید کودهای شیمیایی را هدف گرفته؛ بازاری که ستون فقرات امنیت غذایی جهان محسوب می‌شود.

برخلاف بحران انرژی ۲۰۲۲ که هم‌زمان با جهش قیمت غلات رخ داد و بخشی از هزینه‌های کشاورزان را جبران کرد، اکنون شرایط متفاوت است. قیمت محصولات کشاورزی نسبتاً پایین‌تر است اما هزینه تولید به‌شدت افزایش یافته است. این شکاف، اقتصاد کشاورزی را وارد مرحله‌ای خطرناک کرده؛ مرحله‌ای که پیمان‌آن نه فقط کاهش سود کشاورزان، بلکه کاهش واقعی تولید غذا خواهد بود.

**کودگران تر از محصول؛ معادله‌ای که کشاورزان را فلج می‌کند**

کود اوره که اصلی‌ترین کود نیتروژنی جهان به‌شمار می‌رود، از ابتدای سال ۲۰۲۴ تاکنون محسوس کم‌سابقه را تجربه کرده است. قیمت این محصول در هفته‌های اخیر در برخی بازارها تا محدوده ۸۵۰ دلار به‌ازای هر تن افزایش یافت؛ رقمی که نسبت به سال گذشته نزدیک به ۵۰ درصد رشد نشان می‌دهد.

**چگونه بحران خلیج فارس تورم غذایی ۲۰۲۷ را می‌سازد؟**
دلیل اصلی این جهش، اختلال در صادرات کشورهای تولیدکننده است. منطقه خاورمیانه سهم بسیار بزرگی در تجارت جهانی اوره، آمونیاک و گوگرد دارد و بخش قابل توجهی از این تجارت از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کند. توقف یا گند شدن جریان کشت‌ها، عملاً عرضه جهانی کود را مختل کرده است. تحلیلگران هشدار می‌دهند بحران فعلی حتی از شوک ناشی از جنگ اوکراین نیز عمیق‌تر است؛ زیرا این بار هم‌زمان چند حلقه کلیدی زنجیره تأمین کود دچار اختلال شده‌اند. این در حالی است که تولید

## با وجود خروج امارات، ساختار اوپک پلاس در کوتاه‌مدت با برجا می‌ماند

اما تحلیلگران معتقدند این تصمیم نقطه عطفی در مسیر کاهش نفوذ تاریخی اوپک است؛ سازمانی که زمانی بیش از نیمی از نفت جهان را کنترل می‌کرد و اکنون با رقابت فرآینده تولیدکنندگان مستقل و فشارهای ژئوپلیتیک روبه‌روست.

بازار جهانی نفت در شرایطی حساس قرار دارد: مسیره‌های صادراتی خلیج فارس محدود شده، ظرفیت مازاد برخی کشورها بلااستفاده مانده و آینده همکاری‌های درون اوپک پلاس بیش از هر زمان دیگری به تحولات امنیتی منطقه گره خورده است.

در چنین فضای، خروج امارات نه فقط یک تصمیم فنی درباره سهمیه تولید نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و بازتعریف نقش بازیگران اصلی بازار انرژی است؛ تغییری که پیامدهای آن در ماه‌های آینده بیش از آشکار خواهد شد.

**با وجود خروج امارات، ساختار اوپک پلاس در کوتاه‌مدت با برجا می‌ماند اما تحلیلگران معتقدند این تصمیم نقطه عطفی در مسیر کاهش نفوذ تاریخی اوپک است؛ سازمانی که زمانی بیش از نیمی از نفت جهان را کنترل می‌کرد و اکنون با رقابت فرآینده تولیدکنندگان مستقل و فشارهای ژئوپلیتیک روبه‌روست**

نوسانات انرژی، مستقیماً بر زندگی روزمره خانوارها اثر می‌گذارد و انتظارات تورمی راه به شدت افزایش می‌دهد. تجربه بحران غذایی ۲۰۰۸ نیز نشان داد که جهش قیمت کود و انرژی می‌تواند با فاصله زمانی به بحران گسترده مواد غذایی منجر شود. اکنون بسیاری از شاخص‌های اقتصادی آمریکا نیز نشانه‌های هشداردهنده‌ای ارسال می‌کنند. شاخص اعتماد مصرف‌کننده دانشگاه میشیگان به پایین‌ترین سطوح تاریخی رسیده و هم‌زمان کشاورزان از کاهش توان خرید نهاده‌ها سخن می‌گویند. ترکیب این دو متغیر، برای سیاست‌گذاران اقتصادی نگران‌کننده است؛ زیرا به معنای تضعیف هم‌زمان تولید و مصرف است.

از سوی دیگر، بحران فعلی تنها به آمریکا محدود نیست. کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین وابستگی بالایی به کود وارداتی دارند و بسیاری از آن‌ها توان پرداخت قیمت‌های جدید را ندارند. در چنین شرایطی، خطر کاهش تولید جهانی غلات، برنج و دانه‌های روغنی افزایش می‌یابد. سازمان‌های بین‌المللی نیز نسبت به تهدید امنیت غذایی در کشورهای فقیر هشدار داده‌اند.

**جهان وارد عصر تورم ژئوپلیتیکی غذا شده است**
بحران فعلی یک پیام روشن برای اقتصاد جهانی دارد؛ عصر جدیدی آغاز شده که در آن، امنیت غذایی به اندازه امنیت انرژی اهمیت پیدا کرده است. تا چند سال قبل، بازارها عمدتاً به نفت، گاز و فلزات حساس بودند اما اکنون مشخص شده کود شیمیایی نیز به یک کالای استراتژیک تبدیل شده است. اختلال در عرضه اوره و آمونیاک، می‌تواند با تأخیر زمانی اما اثری عمیق‌تر از شوک نفتی بر اقتصاد جهان بگذارد.

برای امروز در بازار روخ کود می‌دهد، شاید هنوز آن به مصرف‌کنندگان عادی ملموس نباشد اما تصمیم‌هایی که کشاورزان در بهار ۲۰۲۶ می‌گیرند، قیمت مواد غذایی سال ۲۰۲۷ را تعیین خواهد کرد. کاهش مصرف کود امروز به معنای محصول کم‌تر در آینده است. در این میان، اروپا و آمریکا با یک واقعیت تلخ روبه‌رو شده‌اند؛ جهانی‌سازی زنجیره تأمین، وابستگی شدید ایجاد کرده و هر بحران ژئوپلیتیکی می‌تواند مستقیماً امنیت غذایی را هدف بگیرد. درست همان‌گونه که جنگ اوکراین بازار گندم را متلاطم کرد، بحران خلیج فارس نیز اکنون بازار کود و غلات را تهدید می‌کند.



طور کامل در قیمت‌ها منعکس نکرده‌اند. بسیاری از معامله‌گران هنوز تصور می‌کنند با بازگشایی نسبی تنگه هرمز، بحران پایان یافته اما واقعیت این است که آسیب اصلی اکنون در فصل کشت در حال شکل‌گیری است. کشاورزی برخلاف بازار نفت، واکنش لحظه‌ای ندارد؛ اثر کاهش مصرف کود ممکن است ماه‌ها بعد و هنگام برداشت محصول ظاهر شود.

برخی مؤسسات تحلیلی حتی هشدار داده‌اند که قیمت جهانی مواد غذایی تا پایان ۲۰۲۶ می‌تواند تا ۱۲ تا ۱۸ درصد افزایش یابد و فشار اصلی آن در سال ۲۰۲۷ آشکار شود.

**بحران خاموشی که بانک‌های مرکزی را نگران کرده است**

در ظاهر، جنگ خاورمیانه یک بحران ژئوپلیتیکی و انرژی به نظر می‌رسد اما اثر عمیق‌تر آن، احتمالاً افزایش هزینه خوراک دام و در نهایت رشد قیمت گوشت، مرغ، لبنیات و تخم‌مرغ خواهد بود.

در واقع، بحران کود از طریق یک زنجیره پنهان از سفره مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود؛ ابتدا کود گران می‌شود، سپس تولید ذرت کاهش می‌یابد، بعد هزینه خوراک دام بالا می‌رود و نهایتاً قیمت مواد غذایی افزایش پیدا می‌کند.

اهمیت مسئله در اینجاست که تورم غذایی برخلاف

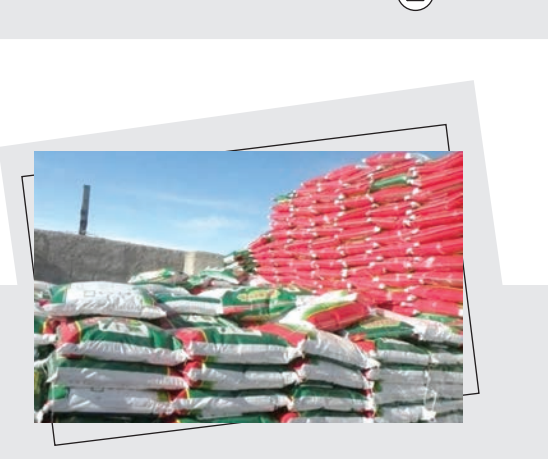
اوره در کشورهای عربی نیز به‌طور چشمگیری کاهش یافته است.

این در حالی است که در آمریکا، کشاورزان ذرت کار بیشترین فشار را تحمل می‌کنند. تولید ذرت وابستگی شدیدی به کودهای نیتروژنی دارد

و افزایش قیمت اوره مستقیماً هزینه هر ایکر کشت (واحد اندازه‌گیری زمین) را بالا برده است. برآوردها نشان می‌دهد هزینه کود برای برخی مزارع تقریباً دو برابر شده؛ در حالی‌که قیمت ذرت چنین افزایشی نداشته است.

این همان نقطه‌ای است که بحران غذایی آینده را شکل می‌دهد. زمانی که هزینه تولید از درآمد نهایی پیشی بگیرد، کشاورز ناچار به انتخاب‌های سختی همچون کاهش مصرف کود، تغییر الگوی کشت یا حتی خروج از بازار می‌شود.

نشانه‌های این بحران از هم‌اکنون قابل مشاهده است. فدراسیون دفتر کشاورزی آمریکا اعلام کرده تعداد ورشکستگی‌های کشاورزی در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال قبل ۴۶ درصد افزایش یافته و ایالت‌های کشاورزی غرب میانه بیشترین آسیب را دیده‌اند. بسیاری از کشاورزان اکنون در شرایطی قرار دارند که هزینه تولید، عملاً حاشیه سود آن‌ها را از بین برده است.



## کاهش یک‌سومی عرضه کود از هرمز؛ جهش دوبرابری قیمت اوره

محمدفاضل نصیری

تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی در خلیج فارس و اختلال در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، به کاهش شدید عرضه جهانی کودهای نیتروژنی منجر شده است؛ به‌گونه‌ای که صادرات این نهاده حیاتی با افت قابل توجه مواجه و قیمت اوره نسبت به پیش از جنگ تقریباً دوبرابر شده است. این وضعیت علاوه بر افزایش هزینه تولید برای کشاورزان، خطر انتقال فشار قیمتی به بازار جهانی مواد غذایی را تقویت کرده است. در حالی که برخی کشورها به دنبال تأمین جایگزین هستند، محدودیت عرضه و رقابت برای خرید، به افزایش قیمت معاملات در بازار دامن زده و چشم‌انداز بازار را با عدم قطعیت مواجه کرده است. به گزارش مسیر اقتصاد، شرکت بین‌المللی فرتی گلوب [۱]، یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کود در جهان، در گزارشی تحلیلی به بررسی پیامدهای اختلال در تنگه هرمز برای بازار جهانی نهاده‌های کشاورزی پرداخته است. این گزارش با تمرکز بر کاهش عرضه کودهای نیتروژنی و جهش قیمت‌ها، نشان می‌دهد که تداوم تنش‌ها در خلیج فارس می‌تواند به افزایش هزینه تولید محصولات کشاورزی و در نهایت رشد قیمت مواد غذایی در سطح جهانی منجر شود. همچنین این گزارش با ارائه داده‌های میدانی، چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار و رفتار بازیگران اصلی را تحلیل می‌کند. در پی تشدید درگیری‌ها در منطقه، تنگه هرمز عملاً با اختلال جدی در تردد کشتی‌ها مواجه شده و حدود یک‌سوم تجارت دریایی کودهای شیمیایی را متوقف کرده است. این اختلال باعث شده کشورها برای تأمین نیاز کشاورزان خود به منابع جایگزین روی آورند، در حالی که برخی تولیدکنندگان بزرگ نیز صادرات خود را محدود کرده‌اند و خریداران ناچار به پرداخت قیمت‌های بالاتری دسترسی به حجم محدود عرضه هستند.

**کاهش شدید صادرات کود از تنگه هرمز در سال ۲۰۲۴**

صادرات هفتگی کود از تنگه هرمز در سال ۲۰۲۴ به‌طور چشمگیری کاهش یافته است؛ رودی که بیانگر اختلال عمیق در زنجیره تأمین جهانی این نهاده حیاتی است. براساس داده‌های ارائه‌شده، صادرات اوره از منطقه خلیج فارس در ماه مارس به حدود ۳۰۰ هزار تن کاهش یافته، در حالی که این رقم در شرایط عادی به‌طور متوسط ۱.۷ میلیون تن در ماه بوده است. بخش عمده این صادرات محدود نیز سوی نواحی انجام شده است. این افت عرضه، به‌ویژه در شرایطی که کودهای نیتروژنی نیاز سالانه برای حفظ عملکرد محصولات کشاورزی دارند، فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده و ریسک کاهش تولید جهانی محصولات اساسی را افزایش داده است.

**جهش قیمت اوره و افزایش فشار بر هزینه تولید غذا**

قیمت جهانی اوره از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶۲۰۲۴ با جهشی قابل توجه، تقریباً دوبرابر شده است. این افزایش قیمت در حالی رخ داده که قیمت محصولات کشاورزی هنوز به‌طور کلی با رشد هزینه نهاده‌ها و سوخت هماهنگ نشده است. در نتیجه، کشاورزان قادر به جبران افزایش هزینه‌های خود نیستند و این مسئله سودآوری فعالیت‌های کشاورزی را تحت فشار قرار داده است. برخلاف سال ۲۰۲۲ که هم‌زمان با جنگ اوکراین، قیمت غلات نیز افزایش یافت، در شرایط کنونی چنین همگرایی قیمتی مشاهده نمی‌شود و این امر ریسک کاهش تولید را تشدید کرده است. در مراحل ابتدایی جنگ، قیمت غلات افزایش یافت، اما به تدریج کاهش پیدا کرد و این موضوع باعث شد کشاورزان در شرایط فعلی انگیزه کمتری برای خرید کود داشته باشند. در چنین وضعیتی، احتمال کاهش مصرف کود یا تغییر الگوی کشت به سمت محصولات کم‌مصرف‌تر از نظر نیتروژن مانند برخی محصولات جایگزین افزایش یافته است. این روند می‌تواند در میان‌مدت به کاهش تولید محصولاتی همچون گندم، ذرت و برنج منجر شود و امنیت غذایی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

**کاهش تقاضا در بازارهای جهانی و تشدید نااطمینانی**

نشانه‌هایی از کاهش تقاضا در مناطقی مانند آفریقای جنوب صحرا و استرالیا مشاهده شده است. همچنین بازار بزرگی مانند برزیل که در آستانه فصل مصرف کود قرار دارد، به‌شدت در معرض ریسک کمبود عرضه قرار گرفته است. در ایالات متحده نیز کشاورزان برای تأمین کود مورد نیاز خود تا اواسط ماه مه فرصت دارند و هزینه‌گونه تأخیری می‌تواند بر برنامه کشت تأثیر بگذارد. با این حال، میزان تقاضای باقی‌مانده به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد که نسبت به افزایش قیمت حساس‌تر هستند، همچنان با عدم قطعیت همراه است.

### جهان آماده شوک دوم انرژی

مجله اکونومیست در عنوان جدید خود با اشاره به بازار نفت نوشت: بازار نفت جهانی در هفته‌های اخیر با جهشی بی‌سابقه مواجه شده و کارشناسان انرژی هشدار می‌دهند که بحران نفت هنوز ایجاد واقعی خود را نشان نداده است. بسته شدن تنگه هرمز در پی درگیری‌های منطقه‌ای باعث حذف روزانه ۱۴ میلیون بشکه نفت از بازار شده است و پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت برنت به بیش از دو برابر سطح پیش از جنگ برسد، یعنی بالاتر از ۱۵۰ دلار در هر بشکه. تقاضای ایران و ریسک/ نااطمینانی تعیین‌کننده مسیر زمانی و اندازه اثر بر قیمت و اقتصاد کلان است. آموزه‌های کلاسیک نشان می‌دهد که شوک عرضه‌ای خالص (مثلاً توقف تولید) و شوک افزایش تقاضا (مثلاً رونق جهانی) رفتارهای متفاوتی در قیمت و خروجی اقتصادی تولید می‌کنند. بنابراین تفکیک منشأ شوک برای تحلیل کیفی و سیاست‌گذاری ضروری است.

■ شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ سال دوم ■ شماره ۴۴۹

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۴۳۱ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



# در جنگ اقتصادی اولویت اصلی کنترل انتظارات تورمی است؛ برنامه دولت چیست؟

## گزارش

یک اقتصاددان در واکنوی تداوم شرایط جنگی گفت: ماهیت جنگ امروز دیگر نظامی وسخت افزاری نیست، بلکه دشمن جیبه خود را به طور کامل به میدان نبرد تمام‌عیار انتظارات اقتصادی و روانی منتقل کرده است.

در شرایطی که اقتصاد ایران پس از پشت سر گذاشتن روزهای پراشتاب و سومین جنگ تحمیلی، اکنون در بهار ۱۴۰۵ در وضعیت پیچیده «نه جنگ و نه صلح» و آتش بس به سر می‌برد، بروز پیامدهایی نظیر محاصره دریایی و التهاب شدید ارزی (جهش نرخ دلار از محدوده ۱۵۵ هزار به ۱۷۵ هزار تومان در کمتر از سه روز)، زنگ خطر جدی را به صدا درآورده است. در این شرایط خطیر، موضوع «مدیریت انتظارات تورمی» فراتر از یک مبحث صرفاً اقتصادی، به حیاتی‌ترین و اصلی‌ترین جبهه نبرد برای حفظ ثبات کشور تبدیل شده است.

فرشاد پرویزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در واکنوی این شرایط معتقد است که ماهیت جنگ امروز دیگر نظامی وسخت افزاری نیست، بلکه دشمن جیبه خود را به‌طور کامل به میدان نبرد روانی منتقل کرده است.

وی با انتقاد صریح از فقدان مدیریت هوشمندانه برای کنترل این انتظارات و آسیب‌پذیری جامعه در برابر شایعات (نظیر بحران کاذب کمبود شیشه)، هشدار می‌دهد که انتظارات منفی همچون موربانه به روان عمومی جامعه نفوذ کرده‌اند.

از دیدگاه او، راهکار اساسی برای مقابله با رویکرد سودگراانه طرف مقابل، پذیرش این تغییر پارادایم، «شفافیت سیاست‌گذاران با مردم و پرهیز از چندصدایی مخرب در ساختارهای اجرایی و رسانه‌ای است. برای بررسی دقیق تر ابعاد این تغییر فاز جنگی و درک بهتر اینتره چگونه ریزیزپرنده‌های نامرئی «انتظارات» در حال هدف قرار دادن اقتصاد هستند، مشروح تحلیلی‌ها و هشدارهای این اقتصاددان درباره واقعیت‌های کف میدان، چالش توقف تولید در صنایع زیرساختی و همچنین رسالت خطیر رسانه‌ها در این کارزار جدید، در ادامه این گزارش تفصیلی از نظرمی گذرد.

**موشک‌های صورتی و تغییر میدان نبرد: ریزیزپرنده‌های «انتظارات» چگونه اقتصاد را می‌چوند؟**  
پرویزیان با اشاره به راهبیمایی نمادین اخیر «دختران جافدای ایران» و

نمایش جیب‌ها و موشک‌های صورتی، تأکید می‌کند که اگرچه این دست حرکات نمادین در جای خود زیبا و ارزشمند هستند، اما امروز تمرکز رسانه‌ها نباید صرفاً معطوف به تصاویر فیزیکی وسخت افزاری باشد.

به گفته این اقتصاددان، دشمن پس از تقابل‌های نظامی، اکنون جیبه خود را به‌طور کامل به حوزه اقتصاد و انتظارات تورمی منتقل کرده است. او هشدار می‌دهد که این جنگ همچنان با هماهن شدت در جریان است و دشمن با عقب‌نشینی ظاهری در میدان نظامی، منتظر به‌هم‌ریختگی و فروپاشی اقتصاد از درون نشسته است.

#### ریزیزپرنده‌هایی از جنس تورم

این استاد دانشگاه، انتظارات تورمی را پدیدهای به‌شدت مخرب برای اقتصاد می‌داند و برای تبیین شرایط فعلی، تشبیه قابل‌تاملی ارائه می‌دهد. وی معتقد است دشمن امروز نیازی به شلیک موشک یا ارسال هواپیما و ریزیزپرنده نظامی ندارد؛ بلکه سلاح امروز او، القای انتظارات منفی است. این انتظارات مخرب، همچون موربانه به درون ذهن تک‌تک افراد جامعه نفوذ کرده و روان عمومی را تحت فشار قرار می‌دهد. در چنین مختصاتی، پرویزیان رسالت اصلی رسانه‌ها را خبررسانی دقیق و آگاهی‌بخشی می‌داند تا جامعه و مسئولان دریابند که میدان اصلی نبرد تغییر کرده است.

وی با تأکید بر اینکه «اکنون خیابان و میدان اصلی، خیابان و میدان انتظارات است»، صراحتاً از مدیران و سیاست‌گذاران می‌خواهد که با درک این تغییر فاز، فوراً برای مدیریت انتظارات عمومی برنامه‌ریزی کنند.

#### واقعیت‌های کف میدان و چالش صنایع زیرساختی

این اقتصاددان در ادامه، از فضای ذهنی و انتظارات به‌سرغ واقعیت‌های ملموس کف میدان می‌رود و به آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های کشور اشاره می‌کند.

وی با تبیین وضعیت صنایع پایه‌ای نظیر پتروشیمی‌ها و فولادی می‌افزاید: آسیب‌دیدگی واحدهای تأمین‌کننده مواد اولیه و بوت‌لپیتی‌ها مانند واحدهای مبین، فجر و دماوند یک واقعیت غیرقابل انکار است. در نتیجه این اتفاق، حتی پتروشیمی‌هایی که مستقیماً در جنگ آسیب ندیده‌اند، به دلیل فقدان خوراک و مواد اولیه قادر به ادامه فعالیت نیستند. به اعتقاد پرویزیان، این زنجیره توقیف تولید به‌طور طبیعی به کمبود عرضه و در نهایت افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود؛ موضوعی که با توجه به حضور گسترده مردم در فضای رسانه‌ای، جامعه به‌خوبی و با شفافیت آن را درک کرده است. در برابر چنین تصویر

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ سال دوم

■ شماره ۴۴۹

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۴۳۱ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

#### شفافیت: سد دفاعی در برابر نرسوی بی‌اعتمادی

این اقتصاددان راهکار اساسی مقابله با این روند مخرب را صداقت با مردم و مدیریت صحیح اطلاعات می‌داند.

به باور وی، برای جلب و حفظ اعتماد عمومی، سیاست‌گذاران نباید کمبودهای واقعی را پنهان کنند. پنهان‌کاری با باعث می‌شود جامعه به این پی‌اعتمادی و وحشت به تمام حوزه‌ها، حتی بخش‌هایی که هیچ کمبودی ندارند، سرایت خواهد کرد. وی تأکید می‌کند که باید با شفافیت با مردم صحبت کرد و ضمن تأیید کمبودهای واقعی، به آن‌ها اطمینان داد که در سایر بخش‌ها مشکلی وجود ندارد.

#### نبرد با «معامله‌گر نیویورکی» در خیابان انتظارات

پرویزیان در بخش دیگری از صحبت‌های خود، به رویکرد طرف مقابل در این کارزار اقتصادی اشاره می‌کند. وی با یادآوری هشدارهای پیشین چهره‌های دیپلماتیک مانند فدریکا موگرینی، خاطرنشان می‌کند که طرف مقابل، همچون یک «معامله‌گر نیویورکی» صرفاً در حال ایجاد سقف و کف‌های کاذب قیمتی و بازی مستقیم با انتظارات تورمی مردم ایران است. وی با ابراز تأسف از غفلت بدنه اجرایی کشور از این واقعیت، تأکید می‌کند که این بی‌توجهی ناشی از سوءنیت نیست، بلکه نشان‌دهنده غفلت کامل و عدم توانایی در تغییر نگرش (پارادایم شیفت) از جنگ سخت و فیزیکی به نبرد پیچیده اقتصادی و روانی است.

#### رسانه‌ها: دیده‌بانان میدان جدید نبرد

پرویزیان در بخش پایانی تحلیل خود، با تأکید بر لزوم یک «تغییر پارادایم» جدی در سطح کلان کشور، رسالت اصلی را در شرایط کنونی بر دوش رسانه‌ها می‌داند. وی معتقد است که رسانه‌ها باید به عنوان زنگ خطر عمل کرده و به تصمیم‌گیران ارشد کشور هشدار دهند که میدان جنگ به‌طور کامل به حوزه انتظارات اقتصادی کشیده شده است. این استاد دانشگاه با استناد از ادبیات نظامی برای تبیین شرایط اقتصادی می‌افزاید: مدیریت انتظارات، متخصصان ویژه خود را می‌طلبد. سکوها ی پرتاب (لاجرهای) کنترل انتظارات و متخصصان این حوزه با عرضه نظامی متفاوت اند. «به باور وی، در حالی که مقامات باید در عرصه نظامی هوشیار و «دست به ماشه» باشند، تمرکز اصلی و آتش باری دشمن اکنون بر اقتصاد و روان جامعه متمرکز شده و کنترل این میدان جدید، نیازمند تخصصی متمایز است.

#### خلأ انسجام و چندصدایی مخرب

این اقتصاددان با ابراز تأسف از برخی رویکردها، تصریح می‌کند که در حال حاضر نه در فضای رسانه‌ای و نه در گفت‌مان مسئولان اجرایی، نشانه‌ای از درک این تغییر پارادایم به چشم نمی‌خورد. پرویزیان نسبت به خطر شایعات، انتشار پیام‌های بی‌اساس در شبکه‌های اجتماعی و نقل قول‌های حاشیهای در این شرایط ملتهب هشدار داده و تأکید می‌کند که فقدان اتحاد و وجود چندصدایی، شکاف‌های عمیقی در جامعه و اقتصاد ایجاد می‌کند؛ معضلی که حتی از سوی دلسوزان نیز مورد غفلت واقع شده است.

#### انتقاد از رویکرد رسانه ملی در جنگ انتظارات

پرویزیان در نهایت با انتقاد شدید از عملکرد دستگاه‌های اطلاع‌رسانی رسمی، به ویژه رسانه ملی، معتقد است که این ساختارها درک درستی از دیدگاه این اقتصاددان ندارند. وی با اشاره به اینکه فقدان سواد رسانه‌ای اقتصادی در برخی بخش‌های تصمیم‌گیر رسانه‌ای مشهود است، هشدار می‌دهد که گاهی همین تریبون‌ها، در اختیار جریان‌ها یا افرادی قرار می‌گیرد که ناگاهانه یا به دلیل وابستگی‌های خاص، خود به مورخ محرک و دامن‌زننده به این انتظارات تورمی و ریزیزپرنده تبدیل می‌شوند. از دیدگاه این اقتصاددان تا زمانی که این ساختارهای رسانه‌ای نسبت به واقعیت جنگ اقتصادی هوشیار نشوند، مدیریت تورم و بازگرداندن آرامش به بازارها دور از دسترس خواهد بود.

# راهبردهای ایران برای فشار بیشتر به غرب

### مصطفی عباسیان

بررسی محرک‌های قیمت نفت خام نشان از اثرگذاری عوامل متعددی نظیر اقتصاد، سیاسی، امنیتی-نظامی و ژئوپلیتیکی بر روی قیمت این حامل انرژی راهبردی دارد. در شرایط فعلی و حمله آمریکایی- صهیونی به ایران می‌توان این محرک‌ها جهت اثرگذاری بیشتر بر بازار انرژی استفاده کرد.

قیمت نفت نتیجه تعامل عرضه و تقاضا در بازار جهانی است؛ اما «طبیعت» شوک (عرضه‌ای یا تقاضایی یا ریسک/ نااطمینانی) تعیین‌کننده مسیر زمانی و اندازه اثر بر قیمت و اقتصاد کلان است. آموزه‌های کلاسیک نشان می‌دهد که شوک عرضه‌ای خالص (مثلاً توقف تولید) و شوک افزایش تقاضا (مثلاً رونق جهانی) رفتارهای متفاوتی در قیمت و خروجی اقتصادی تولید می‌کنند. بنابراین تفکیک منشأ شوک برای تحلیل کیفی و سیاست‌گذاری ضروری است.

#### روند قیمت نفت خام

در بازار جهانی انرژی، هرگونه وقفه در زنجیره حمل‌ونقل یا تأخیر در عرضه نفت و گاز، می‌تواند موجب افزایش قیمت و نوسانات گسترده شود. بررسی روند قیمت جهانی نفت خام در بازه سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که بازار نفت طی بیش از دو دهه گذشته تحت تأثیر ترکیب پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ساختاری قرار داشته و دچار نوسانات چشمگیری شده است. داده‌ها بیانگر آن‌ند که قیمت اسمی هر بشکه نفت از سال ۲۰۲۰ به ۸۳ دلار در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است؛ رشدی معادل

حدود ۱۹۷ درصد. با لحاظ تورم و تعدیل قیمت‌ها به دلار سال ۲۰۲۳، قیمت واقعی نفت از ۵۰ دلار به ۸۳ دلار رسیده است که بیانگر افزایش واقعی حدود ۶۶ درصدی طی این دوره است. با این حال، این رشد کلی در چارچوب یک روند پیوسته رخ نداده، بلکه با چند دوره جهش و سقوط قیمتی بزرگ همراه بوده است.

#### بررسی میزان اثرگذاری محرک‌ها بر قیمت نفت

در بررسی میزان اثرگذاری انواع محرک‌ها بر قیمت نفت، می‌توان گفت که هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی-نظامی و ژئوپلیتیکی به‌تنهایی تعیین‌کننده مطلق نیستند، اما هر کدام در موقعیت‌هایی خاص و با شدتی متفاوت، نقش



با محدود کردن عرضه رسمی از کشورهای هدف، قیمت نفت را بالا می‌برند؛ اما از سوی دیگر، با گسترش بازارهای سایه و افزایش نااطمینانی، به بی‌ثباتی ساختاری بازار دامن می‌زنند. تصمیمات هماهنگ یا ناهماهنگ اوپک پلاس نیز به صورت مستقیم و فوری بر قیمت‌ها اثر می‌گذراند، اما پایداری این اثر وابسته به میزان پایبندی واقعی کشورها به توافقات است.

در نهایت، محرک‌های ژئوپلیتیکی مانند جنگ‌ها یا رقابت‌های منطقه‌ای، اثر تلقیفی و چندلایه‌ای بر قیمت نفت دارند. این دسته از عوامل معمولاً از طریق سه مسیر هم‌زمان اثر می‌گذراند: کاهش عرضه، تغییر در مسیر تجارت و افزایش تقاضای احتیاطی. برای نمونه، جنگ اوکراین نه تنها صادرات روسیه را محدود کرد، بلکه هزینه‌های بیمه، حمل‌ونقل و ذخیره‌سازی را افزایش داد و باعث تغییر انتظارات بازیگران بازار شد؛ مجموعه‌ای از اثرات که منجر به جهش قیمت نفت تا مرز ۱۴۸ دلار شد.

بنابراین، در یک ارزیابی تطبیقی می‌توان گفت: محرک‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی بیشترین اثر فوری را بر قیمت نفت دارند. محرک‌های اقتصادی و سیاسی بلندمدت‌تر در بخش بالادستی اثر تدریجی و تعدیل‌کننده دارند. این دسته از عوامل کمتر باعث جهش ناگهانی قیمت می‌شوند، اما در افق میان‌مدت و بلندمدت، از طریق محدودسازی ظرفیت عرضه، موجب افزایش ساختاری قیمت نفت می‌گردند. اهمیت این محرک‌ها بیشتر در تنظیم توازن پایه‌ای عرضه و تقاضا نهفته است تا در ایجاد نوسانات فوری. در حوزه محرک‌های سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی راهبرتر پیش‌بینی و مدیریت کنند.

معاملات آتی می‌شود که مستقیماً در قیمت‌ها منعکس می‌شود.

در مقابل، محرک‌های اقتصادی مانند کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی اثر تدریجی و بلندمدت دارند. این دسته از عوامل کم‌تر باعث جهش ناگهانی قیمت می‌شوند، اما در افق میان‌مدت و بلندمدت، از طریق محدودسازی ظرفیت عرضه، موجب افزایش ساختاری قیمت نفت می‌گردند. اهمیت این محرک‌ها بیشتر در تنظیم توازن پایه‌ای عرضه و تقاضا نهفته است تا در ایجاد نوسانات فوری.

در حوزه محرک‌های سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی دارای اثر دوگانه هستند. از یک سو، این تحریم‌ها